

به نام آفریننده عشق

و

به نام آنکه هستی نام از او یافت

عاشقانه‌های جاودانه

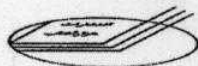
چهارمیده ابیات و غزلیات شاعران پارسی

از قور سوم ۶۰۰۰ قمری تا معاصر

به اهتمام

ملیکا قهرمانی

سرشناسه	قهرمانی، ملیکا، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور:	عاشقانه های جاودانه: برگزیده ابیات و غزلیات شاعران پارسی
	از قرن سوم
	هجری قمری تا معاصر /
	به اهتمام ملیکا قهرمانی.
مشخصات نشر	تهران: هزار آفتاب، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۳۴۷ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۵۶۹-۶۳
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان دیگر	برگزیده ابیات و غزلیات شاعران پارسی از قرن سوم هجری قمری تا معاصر
موضوع	شعر فارسی -- مجموعه ها
موضوع:	Persian poetry - Collections
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ / ۹۴۲ ق/ PIR۴۰۳۲
رده بندی دیویی	۰۰۸/ ۱۵۸
شمار کتابخانه ملی	۴۴۴۱۹۷۹



شهر هزار آفتاب

تلفن: ۰۰۹۷۲۱۴۲ همراه: ۰۹۱۲۱۳۶۲۸۶۰

Email: hazaaraftab@gmail.com

عاشقانه های جاودانه

برگزیده ابیات و غزلیات شاعران پارسی

از قرن سوم هجری قمری تا معاصر

به اهتمام: ملیکا قهرمانی

مصحح و ویراستار: علی جلیلی

لیتوگرافی: نوبخت / چاپ: نوبخت

چاپ اول ۱۳۹۵ / ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۶۹-۶۳-۸

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران. خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید، بن بست شهرزاد، پلاک ۴ رنگ ۴

سخنی با خوانندگان

دیار: دیباچه:

چند نلی از هزار بی همتای ادب ایران تقدیم می گردد: به تمامی
دوستان و علاقه مندان شعر و ادب و هنر پارسی و همه آنانکه عاشق آمدند،
عاشق زیستند و عاشق رفتند.

و همچنین تقدیم است به استاد ارجمند جناب آقای داوود
خوانساری، ادیب، شاعر و گوینده خوش صدا و توانا و مجری
انجمن های ادبی و هنری که به افتخار چند غزل از غزلیات
زیبایشان را در این دیباچه تقدیم می کنیم.

امید آنکه این اثر، مقبول طبع و نظر لطیف تان قرار گیرد.

ملیکا مهرمانی

مرداد ۱۳۸۵

فهرست

عنوان صفحه

نگاهی اجمالی به سبک دوره‌ای و ادبی شعر فارسی ۲۵

ابوسعید ابوالخیر

زندگی‌نامه ۳۰

دل جز عشق تو نیوید هرگز ۳۱

ای ره به راه مهر عالم آرای همه ۳۲

تا دیده در در به رویت نگرم ۳۳

نظامی گنجوی

زندگی‌نامه ۳۴

مرا پرسى كه چونى؟ چونم اى دوست؟ ۳۷

اى ماه بدین خوبی مهمان كه خواهم شد ۳۸

عاشق شده‌ام بر تو تدبیر چه فرمایى؟ ۳۸

عطار نیشابوری

زندگی‌نامه ۵۰

- ۵۲ در سَرم از عشق تو سودا خوش است
- ۵۳ صدای عشق جانان بی‌بلا نیست
- ۵۴ هر شب دل پر خونم بر خاک درت افتد
- ۵۵ از پس پرده دل دوش بدیدم رُخ یار
- ۵۷ ای دل اگر عاشقی، در پی دلدار باش
- ۵۸ ای درس عشقت هر شبم تار و ز تکرار آمده
- ۵۹ ای، در میان جانم و ز جان من نهانی

فخرالدین ابراهیم راقی

- ۶۰ زندگی
- ۶۵ اصطلاحات عراقی
- ۹۳ در کوی خرابات کسی را که یازده است
- ۹۴ عشق تو ز دست ساقیان باده بریخت
- ۹۵ جز دیدن روی تو مرا رأی دگ نیست
- ۹۶ دل، که دایم عشق می‌ورزید رفت
- ۹۷ در سَرم عشق تو سودایی خوش است
- ۹۸ کی ببینم چهره زیبای دوست؟
- ۹۹ باز هجر یار دامنم گرفت
- ۱۰۰ ساز طرب عشق که داند که چه ساز است
- ۱۰۱ عشق شوری در نهاد ما نهاد

- ۱۰۲ من مست می‌عشقم هوشیار نخواهم شد
- ۱۰۳ تا کی کشم جفای تو؟ این نیز بگذرد
- ۱۰۴ خرم تن آن کس که دل ریش ندارد
- ۲۰۵ امروز مراد در دل جز یار نمی‌گنجد
- ۱۰۶ به دست غم گرفتارم بیا ای یار دستم گیر
- ۱۰۷ کار ما بنگر، که خام افتاد باز
- ۱۰۸ ساقی، ز شکر خند شراب طرب انگیز
- ۱۱۰ ای مطرب درد، پرده بنواز
- ۱۱۱ باشا ما خد هر دم دلم در باغ رخسارش
- ۱۱۲ بکشم به زور سر زلف مشک رنگش
- ۱۱۳ آن بخت خرم بر او باز بگذرم؟
- ۱۱۴ دلی یا دلبری یا جان و یا جا ان نمی‌دانم
- ۱۱۵ ای حسن تو بی‌پایان، آخر چه مال است این؟
- ۱۱۶ از بهر تو افتادم ای دست به خانه

مولانا

- ۱۱۷ زندگی‌نامه
- ۱۱۸ بروید ای حریفان بکشید یار ما را
- ۱۱۹ عشق تو شرابی ست که سوزد دل و جان را
- ۱۲۰ ای عاشقان ای عاشقان من از کجا عشق از کجا؟

- ۱۲۱ بس غم که ز تو بر دل غمخواره نشست
- ۱۲۲ همه را بیازمودم ز تو خوشترم نیامد
- ۱۲۳ سوز دل عاشقان شررها دارد
- ۱۲۴ یکی در خاک گوید زلف بودم
- ۱۲۵ شد ز غمت خانه سودا دلم
- ۱۲۶ نزدیک تو از قصه هجران چه نویسم
- ۱۲۷ یات رامن وفا بیاموزم
- ۱۲۸ گفتم ای جان بر سر کارت کردم
- ۱۲۹ مُرده مُم زند شدم، گریه بُدم، خنده شدم
- ۱۳۰ ای خدای رصا را هجران مکن
- ۱۳۱ عاشقی دانی چه باشد؟ ن و تن بگذاختن
- ۱۳۲ گر رود دیده و عقل و خرد، باز بومرو
- ۱۳۳ گر همچو من افتاده این دام موی
- ۱۳۴ دی دامنش گرفتم که ای گوهر عطا

سعدی

- ۱۳۵ زندگی نامه
- ۱۳۰ ای نفس خرم باد صبا
- ۱۴۱ وقتی دل سودایی می رفت به بستانها
- ۱۴۲ سلسله موی دوست، حلقه دام بلاست

- ۱۳۳ خرم آن بقعه که آرامگاه یار آنجاست
- ۱۳۴ عشق ورزیدم و عقلم به ملامت برخاست
- ۱۳۵ از هر چه می‌رود سخن دوست خوشتر است
- ۱۳۶ مرا خود با تو چیزی در میان هست
- ۱۳۷ شبی یاد دارم که چشمم نخفت
- ۱۳۸ شب فراق که داند که تا سحر چند است
- ۱۳۹ آب حیات من است خاک سرکوی دوست
- ۱۴۰ خبرت هست که بی‌روی تو آرام نیست؟
- ۱۴۱ بیست آن لعبت خندان که پریوار برفت
- ۱۴۲ عشق در هر مام و یار از دست رفت
- ۱۴۳ خوش می‌روی به تنها، تنها فدای جانم
- ۱۴۴ بیا که نوبت صلح است، دوستی و عنایت
- ۱۴۵ هشیار کسی باید، کز عشق بیرین
- ۱۴۶ شب عاشقان بی‌دل، چه شبی راز باشد
- ۱۴۷ از تو دل بر نکنم تا دل و جانم باشد
- ۱۴۸ آن به که نظر باشد و گفتار نباشد
- ۱۴۹ اگر سروی به بالای تو باشد
- ۱۵۰ هر که مجموع نباشد، به تماشا نرود
- ۱۵۱ ای ساربان آهسته ران، که آرام جانم می‌رود
- ۱۵۲ چشمی که نظر نگه ندارد

- آن سرو که گویند به بالای تو ماند ۱۶۳
- آنکه هلاک من همی خواهد و من سلامتش ۱۶۵
- کاش کان دلبر عیار که من کشته اویم ۱۶۶
- من اگر نظر حرام است، بسی گناه دارم ۱۶۷
- به خدا اگر بمیرم، که دل از تو بر نگیرم ۱۶۸
- یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم ۱۶۹
- ما به روی دوستان از بوستان آسوده‌ایم ۱۷۰
- مادر کف دادگان محورخ جانانه‌ایم ۱۷۱
- بخدا که مایل وی تو بگذریم ۱۷۲
- عهد کردیم که دوست به صحرا نرویم ۱۷۳
- هزار جهد بکردم که در شوق بهوشم ۱۷۴
- چنان در قید مهرت پای بندم ۱۷۵
- از در آمدی و از خود به رشدم ۱۷۶
- تو هیچ عهد نبستی که عاقبت شکست ۱۷۷
- هر کس به تماشایی رفتند به صحرایی ۱۷۹
- خوش بود یاری، و یاری بر کنار سبزه‌زاری ۱۸۰
- فرخ صباح آنکه تو بروی نظر کنی ۱۸۲
- دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی ۱۸۳
- تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی ۱۸۴
- سر آن ندارد امشب که بر آید آفتابی ۱۸۵

- ۱۸۶ همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی
- ۱۸۷ شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
- ۱۸۸ گل است آن، یا سمن، یا ماه، یا روی؟
- ۱۸۹ اگر م حیات بخشی، و گزم هلاک خواهی
- ۱۹۰ خبر از عرش ندارد که ندارد یاری

حاله ۱

- ۱۹۱ زندگی نامه
- ۱۹۲ بی مازن به لیلی گفت
- ۱۹۵ امشب ز من خون خواهم خفت
- ۱۹۶ میر من خرم می، بی که اندر سرا پا میرمت
- ۱۹۷ هر گزم نقش تو از ابرج را، و جان نرود
- ۱۹۸ دوش در حلقه ما قصه حیسوی تو بود
- ۱۹۹ بیش ازینت بیش از این اندیش عشاق بود
- ۲۰۰ گوهر مخزن اسرار همان است که بود
- ۲۰۱ یاد باد آنکه سر کوی توأم منزل بود
- ۲۰۲ گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید
- ۲۰۳ دردم از یار است و درمان نیز هم
- ۲۰۴ برو ای طیبم از سر که ز سر خبر ندارم
- ۲۰۵ چون شوم خاک رهش دامن بیفشاند ز من

- ۲۰۶ ای که در گشتن ما هیچ مدارا نکنی
- ۲۰۷ نسیم صبح سعادت شوم بدان نشان که تو دانی
- ۲۰۸ که بَرَد به نزد شاهان ز من گدا پيامی

عبدالرحمن جامی

- ۲۰۹ زندگی نامه
- ۲۱۲ به کعبه رفتم وز آنجا هوای کوی تو کردم

وحشی بافقی

- ۲۱۳ زندگی نامه
- ۲۱۶ من آن مرغم که افکندم به دام صد بلا خور را
- ۲۱۷ خوش آن روزی که زنجیر جنون در پانجه من باشد
- ۲۱۸ دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
- ۲۲۱ دگر آن شب است امشب که ز بی سحر ندارد
- ۲۲۲ غم هجوم آورده می دانم که زارم می کشد
- ۲۲۳ روم به جای دگر، دل دهم به یار دگر
- ۲۲۴ الهی سینه ای ده آتش افروز
- ۲۲۵ گرچه کردم ذوق ها از آشنایی ها او

- ۲۲۶ زندگی نامه
- ۲۳۰ اولم رام نمودی به دلآرامی ها
- ۲۳۱ کی رفته ای ز دل که تمنا کنم ترا
- ۲۳۲ یار بی پرده کمر بست به رسوائی ما
- ۲۳۳ اندوه تو شد وارد کاشانه ام امشب
- ۲۳۵ یار اگر جلوه کند دادن جان این همه نیست
- ۲۳۶ شیوه خوش منظران چهره نشان دادن است
- ۲۳۷ شب آخر دامن آه سحر خواهم گرفت
- ۲۳۹ هم شب به دلم بر خم گیسوی تو بود
- ۲۴۰ من مست به پرستی من رند باده نوشم
- ۲۴۱ جانی که خلاص از شش هم آن تو کردم
- ۲۴۳ وقت مرگ آمد ز رحم بر سر البین من
- ۲۴۴ هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو
- ۲۴۵ تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده ای
- ۲۴۶ کنون که صاحب مژگان شوخ و چشم سحر
- ۲۴۸ خوش آنکه حلقه های سر زلف واکنی
- ۲۴۹ تو شکر لب که با خسرو بسی شیرین سخن داری
- ۲۵۰ چه خطای سر زدا من که در سرای بستی؟

عارف قزوینی

- زندگی نامه ۲۵۱
- داد حسنت به تو تعلیم خود آرایی را ۲۵۲
- گدای عشقم و سلطان حسن شاه من است ۲۵۵

علاء خراسانی

- زندگی نامه ۲۵۶
- در حق هر چه به اندازه بود یار کم است ۲۵۸
- پیش از رخسار گان مسجد و میخانه یکی ست ۲۵۹
- تو که یساروشه چشم غم عالم ببرد ۲۶۰
- آن که رخسار تو را به زینت می کرد ۲۶۱
- گرچه مستیم و خرابیم چه به بهان دگر ۲۶۲
- دلم آشفته آن مایه ناز است هنوز ۲۶۳
- آنچه گفتند زن مجنون و پریشانی ۲۶۴

رهی معیری

- زندگی نامه ۲۶۵
- تو و بالاله رویان گل ز شاخ عیش چیدن ها ۲۶۹
- بُرد آرام دلم، یار دل آرام کجاست؟ ۲۷۰
- بس که جان بر آتش غم سوختیم ۲۷۱

- ۲۷۲ دل زود باورم را به کرشمه‌ای ربودی
- ۲۷۳ نه دل مقتون دل‌بندی نه جان مدهوش دلخواهی

استاد شهریار

- ۲۷۴ زندگی‌نامه
- ۲۷۶ آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟
- ۲۷۷ نالم از دست تو ای ناله که تأثیر نکردی
- ۲۷۸ فتنی و زلزل منوزم حسرت دیدار باقی
- ۲۸۰ تضییع زمانه سیدی

داوود خوانساری

- ۲۸۵ زندگی‌نامه
- ۲۸۶ امشب را بکشم ناز که دیدار خوش است
- ۲۸۷ دوباره یاد تو مرا به قعر نار می‌کشد
- ۲۸۸ احسنت به این سیرت گویا که تو داری
- ۲۸۹ پلنگ خوی من بیا به بیشه‌ی بهار من
- ۲۹۰ امشب آتش در نیستانم زدی
- ۲۹۱ ناز بر من کن که نازت می‌خرم

مشفق کاشانی

- ۲۹۲ بهار آمد بهار من نیامد
۲۹۳ اگر عمری به پایش سر نمی کردم چه می کردم؟

پژمان بختیاری

- ۲۹۴ باز آمدم که باز پریشان کنی مرا
۲۹۵ در کج دلم عشق کسی خانه ندارد
۲۹۶ نازم عشق من از چشم ترم زود مرو

علی اشتری (فرهاد)

- ۲۹۷ همدمی تادل ما را دهد آینه کجاست؟
۲۹۸ پیش رویت گر بمیرم، زندگی از سرب گرم
۲۹۹ رفتی ز پیش دیده و بر جان نشست
۳۰۰ بار دیگر در برم ای شاه خوبان آمدی

سیمین بهبهانی

- ۳۰۱ زندگی نامه
۳۰۳ سرب بی سرور ما را ز چه سامانی نیست؟
۳۰۴ رفتم اما دل من مانده بر دوست هنوز

پروین اعتصامی

۳۰۵ ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن

ابوالحسن ورزی

۳۰۶ آمد امان در نگاهش آن نوازش‌ها نبود

حمید شیرازی

۳۰۷ شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد

در کوچه باغ نازم

احمد شاملو

۳۱۱ من باهارم، تو زمین

سیمین بهبهانی

۳۱۳ هوای گریه

۳۱۴ بازیچه

۳۱۷ سنگ گور

۳۱۹ صد چمن لاله

۳۲۰ موج خیز

۳۲۱ یک سحر

فروغ فرخزاد

۳۲۲ آرزو

۳۲۳ دیدار تلخ

فریدون مشیری

۳۲۷ آخرین جرعه این جام

۳۳۰ پرواز با خورشید

۳۳۲ تونی که بیینی

۳۳۵ زمره شین

۳۳۷ کوچه

هما میر افشار

۳۳۰ ای تمام فکر من در روز و شب

۳۳۲ منابع و مأخذ